

انسان کامل خسروانی بروایت سهروردی در مقایسه با آراء ملاصدرا

زهرا لطفی^۱، عبدالله صلواتی^۲

چکیده

نظام نورمحور شیخ اشراق، سلوک معنوی را به شهود «نورالانوار» در قالب مراتب و ساحات نورانی تفسیر میکند. نورالانوار روشن‌کننده عالم و صاحب مقام پادشاهی است که در /وستا از آن به «خورنه» و در زبان فارسی به «فرّ» تعبیر شده است؛ فرّ موهبتی الهی است که فرد برخوردار از این مقام را شایسته خلافت و پادشاهی میکند. سهروردی تصریح میکند انسان کامل که از آن با نامهایی نظیر نور اسپهبدی، نورهای مینوی، کدخدای عنصریات، فرشته اَورمان اسپهر، روانبخش و... یاد شده، صاحب مقام خرّه کیانی، شهریاری و فرهمندی است. سهروردی والاترین مقام را از آن خسروانی میبیند که در ساحت وجودی ایشان انوار جلال و جمال الهی جمع شده و در حقیقت اینان تجلی تام الهی بر زمینند. در مقابل، ملاصدرا با رویکردی وجودمحور بسراغ ویژگیهای انسان کامل می‌رود؛ او انسان کامل را آیینۀ تمام‌نمای حق و تجلی اسماء و صفات الهی میدانند و معتقد است این جامعیت اسمائی او را شایسته خلیفةاللهی کرده

۶۱

تاریخ پذیرش: ۹۸/۹/۱۰

تاریخ دریافت: ۹۸/۴/۴

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فلسفه و حکمت اسلامی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی (نویسنده مسئول)؛

zahralotfi63@gmail.com

۲. دانشیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی؛ salavati2010@yahoo.com



است. دغدغه نوشتار حاضر پاسخ به این پرسش است که انسان کامل و مصداق آن، با توجه به مبانی متفاوت نور و وجود در این دو مکتب فلسفی چیست؟ ملاصدرا چون وجود را اصیل میداند و هستی و تمامی کون و مکان را با رهیافتی وجودی رصد میکند، مصداق انسان کامل را در رسیدن به مرتبه اعلا وجود و مجرد تام عقلی (مقام لایقفی) میداند؛ درحالی که سهروردی بر این باور است که مصداق انسان کامل شامل هر فردی است که به مقام خرد کیانی و مرتبه شهود رسیده باشد.

کلیدواژگان: انسان کامل، حقیقت محمدیه، خلیفه الله، ملاصدرا، سهروردی.

* * *

مقدمه

«انسان کامل» در عرفان اسلامی اصطلاحی شناخته شده است که عمدتاً با مترادفهایی نظیر صادر نخستین، حقیقت محمدی، فره ایزدی، نور اسپهبدیه، عقل اول و... بیان شده است. در مکاتب فلسفی مسلمانان نمادهایی برای انسان کامل ذکر شده است، همانطور که در سنت اساطیری و حکمای خسروانی نیز به مصادیقی برای آن اشاره شده است. برآیند تمامی این معانی و مصادیق آن است که مشابهتهای ساختاری و غیر قابل انکاری میان آنها وجود دارد. انسان کامل آیینۀ تمام‌نمای اسماء و صفات الهی است؛ او مثال تام و تمام حق تعالی است و تمامی صفات جمال و جلال را بنحو متعالی در خود دارد. بعقیده ملاصدرا انسان با تکمیل دو قوه نظری و عملی مراتب چهارگانه استکمال نفس را طی میکند و در مسیر حرکت جوهری از مرتبه طبیعی به مقام مجرد لایقفی نفس نایل میگردد.

۶۲

به اعتقاد وی نفس انسانی در آغاز تکوینش در عالم طبیعت، وجودی مادی و طبیعی دارد که این امر مبتنی بر حدوث جسمانی اوست. سپس بر مبنای حرکت جوهری، مراتبی از کمال را طی میکند و وجودش بتدریج قوی میشود تا به مرتبه نفس بودن میرسد. در این مرتبه، انسانی مثالی و صاحب قوه تخیل است، سپس میتواند از این نشئه وجودی با تحصیل کمالات عقلی به مرتبه

